

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۵ جنوری ۲۰۲۵

حمید انوری

اظہار سپاس پیگران

"سالی که نیکوست، از بهارش پیداست"، همین ضرب المثل وطنی خودما را که مانند اکثر ضرب المثل های مردم شریف و نجیب افغانستان باستانی، کاربُرد بی برو و برگشت در زندگی روزمره ما مردم دارد، به فال نیک گرفته و صمیمانه آرزو میکنم که برای همه مردم مقاوم و برده بار افغانستان عزیز و جمله جهانیان مصداق پیدا کند و یک سال نیکو بوده و با خود صلح و آرامش در سرتاسر گیتی به ارمغان آرد.

برای این کمترین هرچند روزها و هفته های اخیر سال قدیم، مملو بود از نشیب و فراز های غیر متصور، اما آغاز سال جدید عیسوی، خلاف معمول با خبرهای خوش همراه بود، البته در زندگی شخصی و خصوصی خودم و...، ورنه همیشه، آنگاه که سال کهنه میروود و جا برای سال جدید باز میکند، این ابیات از شاعر شیرین کلام "جلیل صفربیگی"، ورد زبانم گشته و خودآگاه و ناخودآگاه، آنرا باخود تکرار میکنم:

در حیرتم از این همه تعجیل شما

از این همه صبر و طول و تفصیل شما

ما خیر ندیده ایم از سال قدیم

این سال جدید نیز تحویل شما

و اما امسال را که هنوز بهارش ناپیدا است، به فال نیک گرفته و صمیمانه آرزو میکنم که برای همه مردم جهان، چه در آسیا و افریقا هستند و چه در اروپا و امریکا و کانادا و انترکتیکا و...، یک سال صلح آمیز و پر از صفا و صمیمیت و محبت بوده و گلیم کهنه و نو جنگ از روی کره زمین برداشته

شود و انسان‌ها و یا هم انسان‌نماها دریابند که جنگ راه حل نیست و آنچه را می‌شود با محبت و دوستی و احترام متقابل با آسانی به دست آورد، با جنگ و خونریزی و خشونت در هیچ صورت نمی‌توان به دست آورد. به اوکراین و سوریه و فلسطین نگاه کنید، به ایران و عراق و افغانستان نگاه کنید، به اسرائیل و روسیه و یمن و سودان و...، نگاه کنید و درسی از اینهمه جنگ و خشونت و کشتار فرا گیرید.

و اما برگردیم به اصل موضوع که همانا "سالی که نکوست، از بهارش پیداست". هرچند بهار امسال هنوز در دیدرس نیست، ولی برای این کمترین بهار امسال درست زمانی رسیدن گرفت و درختان بارور شدن و بته‌ها گل کردن گرفتند و رایحه بهار پُرگل و شگوفه آغازیدن گرفت که سال کهنه، جای خود را به سال جدید خالی کرد. باز هم یکی دو بسته به وقفه‌ها از طریق پوسته برایم رسید که بهترین تحفه‌های سال جدید را باخود به ارمغان آورد و من آنرا به فال نیک گرفتم.

این دو بسته که از کشور فرانسه دریافت نمودم، حاوی کتاب هائی تحت عنوان "از لابلای کتاب ماندگار - افغانستان در تلاطم تاریخ" است که به همت والای مادر شکیبا و مقاوم زنده یاد "مرجان کمال" جمع آوری گردیده و مرتب شده و با زحمات و پشتکار شباروزی و دقت در خور توجه، از آنها کتابی تهیه دیده و توسط زحمات و دقت در خور تذکر انتشارات بامیان - انجمن فرهنگ افغانستان در پاریس با تلاش، زحمات و پشتکار در خور دقت محترم و گرامی "محمد عارف عزیز گذرگاه" و توسط (انجمن فرهنگ افغانستان «انتشارات بامیان») طبع و منتشر گردیده است که جا دارد از زحمات درخور توجه ایشان سپاس گزار بود.

این کتاب در اثر علاقه و تلاش شباروزی خواهر گرانقدر و پرتلاش ما محترمه داکتر صاحب فریده جان نوری" از نوشته‌های کج و معوج این کمترین تهیه دیده شده و به نشر آن مبادرت ورزیده اند که از حسن نظر و محبت‌های بی‌شائبه‌شان، صمیمانه و از ته دل سپاسگزاری میکنم که به نوشته‌های کج و معوج این کمترین، بیشترین ارج میگذارند که خود کاریست در خور تمجید، آنهم به این دلیل که تمام زحمات و نیز مصارف طبع و نشر کتاب و نیز آماده‌سازی و بعد هم پرداخت مصارف پوستی و تلاش خستگی‌ناپذیرشان در مورد، در نوع خود بینظیر است. ایشان از روی لطف یک مقدمه زیبا و گیرا نیز در آغاز این کتاب نوشته‌اند که در تمام موارد از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و محبت‌های بی‌شائبه‌شان در حصه این کمترین، از ته دل سپاسگزار هستم.

کتاب متذکره در حقیقت نوشته ها و یادداشت های روانشاد و زنده یاد "مرجان کمال" است که از کتاب پُربار شان معنون به "افغانستان در تلاطم تاریخ" گرفته شده و بر آنها افزوده ها و یادداشت هائی علاوه گردیده است.

این سلسله که با زحمات عدیده خواهر گرانقدر و قدردان ما محترمه داکتر صاحب "فریده جان نوری" همه در یک مجموعه گرد آورده شده اند و به شکل یک کتاب و بصورت مجانی تقدیم هموطنان ما گردیده است، اگر زندگی باقی بود، همچنان ادامه داشته و ایشان در نظر دارند که متباقی را در جلد دوم و بصورت مجانی تقدیم هموطنان عزیز نمایند که از زحمات و مهربانی های شان از ته دل سپاسگزار هستم که کمترین تلاش این هیچمدان را بیشترین ارج گذاشته و میگذارند هنوز.

این کتاب در (۲۲۰) صفحه در قطع جیبی و عکس های رنگین از گوشه گوشه افغانستان عزیز که اکثر آنها عکاسی زنده یاد مرجان، خواهر دلسوز ما است که سخت عاشق افغانستان عزیز بودند و از افغانستان برباد داده شده عکاسی نموده بودند، جهت قدردانی از تلاش های ممتد ایشان و عشق بی پایان شان به وطن و میهن آبائی شان، درج همین کتاب گردیده است.

شاعری چه خوش سروده بوده است باری:

چه یک کودک آشنا با کتاب چه صد مرد و زن دور ازین آفتاب

و قرار معلوم و نظر به چشم دید این کمترین، خواهر گرامی ما زنده یاد و روانشاد "مرجان کمال"، عاشق کتاب و مطالعه بوده اند و گنجینه های فراوان از کتاب به زبان های مختلف را جمع آوری و مطالعه نموده بوده اند و میگویند که حتی در بستر بیمار در شفاخانه نیز مشغول مطالعه بوده اند و در این آرزو که بعد از صحت یابی، بلافاصله راهی میهن محبوب خود گردیده و خدمات بی شائبه خود را همچنان ادامه دهند و...، اما دردا و دریغا که عمر گرانبار شان سخت کوتاه بوده و چنان فرصتی را بارنگر نمی یابند و راهی دیار باقی میگردند و آنهمه امید و آرزو های شریف ناتمام می مانند و...

زنده یاد "مرجان کمال" چنان شوقی به مطالعه داشته بوده اند که از مطالعه کتاب به السنه مختلف، هیچگاه خسته نمی گردیده اند و حال که ایشان به دنیای باقی شتافته اند، هنوز هم کتاب های شان که با عرق جبین گردآورده بوده اند و به السنه های مختلف نوشته شده بوده اند و هر یک را با دقت تمام

مطالعه کرده و صفحات و سطور آنها را نشانی کرده بودند، زینت بخش کتابخانه های هموطنان ما، به شمول این کمترین بوده و از دقت نظر آن زنده یاد نمایندگی می کنند.

"شکسپیر" نویسنده و نمایشنامه نویس شناخته شده انگلستان در مورد کتاب چنین مؤجز فرموده بوده است باری: " کتاب، هم نشینی است که تو را خسته و ملول نمی سازد. دوستی است که تو را فریب نمی دهد. رفیقی است که به تو آزار نمی رساند." و این حقیقت عریان را خواهرک گرامی ما زنده یاد "مرجان کمال" با تجربه و درک قوی، به خوبی دریافته بوده اند. قرار معلوم دوست و رفیق روزها و شبهای شیرین و تلخ ایشان، فقط و فقط کتاب بوده است و مادر؛ و هرکی این حقیقت مسلم را دریافت و درک کرد، وارسته است و به حقیقت رسیده.

در مورد کتاب خوانی و مطالعه جا دارد که از این چکیده مؤجز هم نگذیریم:

(از کتابفروشی پرسیدند : وضع کسب و کارت چگونه است؟

گفت: بسیار بد، چون آنهایی که پول دارند، اهل مطالعه نیستند و آنهایی هم که سواد دارند" و اهل مطالعه اند" پول ندارند .)

قرار معلوم خواهرک نامراد ما، زنده یاد "مرجان کمال" از نان و آب خود صرفه جوئی نموده و کتاب می خریده و مطالعه می کرده اند که این صفت عالی را در این عصر و زمانه، در کمتر جوانی می توان سراغ کرد.

در خاتمه از زحمات خستگی ناپذیر خواهر گرانقدر ما، محترمه داکتر صاحب "فریده جان نوری" صمیمانه اظهار سپاس میکنم که نه تنها تمام زحمات گردآوری و منظم نمودن نوشته های کج و معوج این کمترین را به عهده گرفتند، بلکه همه مصارف طبع و نشر و نیز مصارف پوستی آنرا با یک محبت کم نظیر عهده دار گردیدند که دستان مبارک شان درد نکند.

یاد و خاطرات خواهرک دراک ما، زنده یاد "مرجان کمال" همیشه گرامی باد و خداوند مادر گرامی شان را که لحظه از یاد وطن و وطندار فارغ نیستند، عمر طولانی با صحت خوب و خاطر آرام زنده و سلامت داشته باشد که برای افغان و افغانستان یک غنیمت بزرگ هستند.

در ختم این مختصر بار دگر از زحمات و دقت هموطن گرامی ما، محترم "عزیز گازرگاه" بار دیگر صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای شان عمر طولی و صحت پایا آرزو میکنم.

این شعر زیبا از قریحه شعری احمدشاه بابا، ذینت بخش صفحات این کتاب "مرجان کمال" است که هنوز هم بر اندام هر وطن دوستی در هر کجای زمین پهناور که باشد ریشه تولید میکند و یاد وطن زنده میدارد:

د دهلی تخت هیرومه چه را یاد گرم
ز ما د شکلی پښتونخوا د غرو سروونه

در اخیر باردگر از زحمات و مهربانی ها و ذره نوازی های بی حد و اندازه خواهر گرانقدر، محترمه
داکتر صاحب"فریده جان نوری" در جمع آوری، تهیه، ترتیب، و نشر کتاب صمیمانه سپاسگزاری
نموده و نیز از هموطن گرانقدرما، محترم"عارف عزیز گازرگاه" از ته دل اظهار سپاس میکنم که
در نشر این کتاب از دقت فراوان کارگرفته اند.